

Analysis of Article (23) of the Law of the Store Terminal and Taxpayer System and comparing its criminalization with other laws

Mohammadreza Abbasi¹, Mansour Eshghpour²

1. PhD Student, Law, Payam Noor University, Tehran, Iran. mra1390@yahoo.com

2. Department of Law, Garmsi Branch, Islamic Azad University, Garmsi, Iran,

Corresponding Author. M.eshghpour91@gmail.com

Date Received: 2023/07/25

Date of Release: 2023/10/13

Abstract

Although the Iranian legislature particularly has criminalized some acts under the Islamic Penal Code, but sometimes it has criminalized some acts through other laws and regulations, such as "Article 23 of the Law on Point of Sales and the Taxpayers System." One of the principles that should be observed in the process of criminalization is the proportionality of offence and punishment. This research, based on the descriptive-analytical method, addresses the question of whether the proportionality of offence and punishment is observed in the aforementioned article? The result of this research shows that the above-mentioned law has ordered sentence of a wide range of mens rea and actus reus by one type of punishment. Crimes such as mass production and supply of hardware and software equipment and imperfect point of sales or defective equipment with the intention of disturbance in the tax system, which is a sign of the governmental economic system, is subject to a punishment without imposing imprisonment that is among sixth-degree punishments established under the Islamic Penal Code. The Code has ordered the same punishment for other crimes such as manipulating the point of sales or personal hardware and software equipment with the intent of paying less amount of tax

Key word :Point of sales, damage, criminalization, disturbance in the tax system.

Copyright© 2021, the Authors This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the AttributionNonCommercial terms.

فصلنامه حقوق اداری

سال یازدهم، پاییز ۱۴۰۲، شماره ۳۶

مقاله علمی پژوهشی

تحلیل ماده (۲۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان و مقایسه

جرم انگاری آن با قوانین دیگر

محمدرضا عباسی^۱؛ منصور عشق‌پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۱

چکیده

گرچه قانونگذار ایران عمده جرم انگاری را تحت عنوان قانون مجازات اسلامی مقرر نموده است، با وجود این گاهی در قوانین و مقررات دیگر نیز به فراخور مناسب جرم انگاری کرده است، از جمله این مقررات «ماده (۲۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان» است. یکی از اصولی که در جرم انگاری باید رعایت شود، تناسب بین جرم و مجازات است. در این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته، به این پرسش پاسخ داده که آیا تناسب بین جرم و مجازات در این ماده رعایت شده است یا خیر؟ نتیجه حاصل از این پژوهش این است که قانون مذکور گستره وسیعی از جرائم با عناصر مادی و معنوی گوناگون را به یک نوع مجازات حکم داده است. برای جرایمی مانند تولید و عرضه گسترده تجهیزات سخت افزاری و نرم افزاری و پایانه‌های فروشگاهی معیوب و یا تجهیزات معیوب کننده با قصد اخلال در نظام مالیاتی که خود تجلی گاه نظام اقتصادی دولت است، مشمول مجازات بدون حبس درجه شش از قانون مجازات اسلامی نموده است. از طرف دیگر جرایمی مانند دستکاری در پایانه‌های فروشگاهی و یا تجهیزات سخت افزاری و نرم افزاری شخصی با هدف پرداخت کمتر مالیات نیز مشمول همین مجازات دانسته شده است. این جرم‌انگاری‌ها با جرائم دیگر که در مقررات دیگر وضع شده هماهنگی ندارد. **واژگان کلیدی:** پایانه‌های فروشگاهی، تخریب، جرم انگاری، اخلال در نظام مالیاتی

۱. محمدرضا عباسی، دانش آموخته دکتری، حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. mra1390@yahoo.com

۲. گروه حقوق، واحد گرمی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمی، ایران، (نویسنده مسئول).

M.eshghpour91@gmail.com.

مقدمه

امروزه اهمیت مالیات برکسی پنهان نیست و لذا نیازی به بازگویی این مهم نیست. از طرف دیگر یکی از مهمترین ابزارهای مالیات‌ستانی، داشتن اطلاعات و داده‌های مورد نیاز است. به همین دلیل مهمترین چالش سازمان امور مالیاتی نیز کسب اطلاعات مذکور است. سازمان امور مالیاتی ایران در این مسیر تقلاهای زیادی انجام داده است ولی تا این تاریخ توفیق چندانی حاصل نکرده است. علت این امر نیز یا فقدان مقررات لازم، یا ضعف قوانین و مقررات و یا فقدان ضمانت اجرای لازم است. (گرگیچ، ۱۴۰۲، ۳۴) مهم‌ترین مشکل در اینجاست که، به علت تضاد منافع، مودیان مالیاتی نه تنها علاقه‌ای به اعلام نمودن اطلاعات ندارند، بلکه سعی در پنهان نمودن آن را دارند. یکی از مهمترین قوانینی که در راستای شفافیت و اظهار اطلاعات تصویب شده است، «قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان» است. ماده (۲) این قانون کلیه اشخاص مشمول را مکلف نموده که به ترتیبی که سازمان مقرر می‌کند، نسبت به ثبت نام در سامانه مودیان اقدام کنند، علاوه بر آن خرده فروشی‌ها و واحدهای صنفی که مستقیماً با مصرف کننده نهایی ارتباط دارند، موظف به استفاده از پایانه فروشگاهی نیز هستند. در صورت تمکین و استفاده مودیان از ابزارهای ذکر شده، بسیاری از مشکلات مالیاتی رفع می‌گردد، به دلیل به خطر افتادن منافع مؤدی و یا سهل انگاری و عدم اطلاع آنها، ممکن است آنها از ابزارهای مذکور استفاده نمایند. لذا قانونگذار باید از مشوق و ضمانت‌اجراهای لازم استفاده نمایند، به همین منظور ماده (۲۲) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان، ضمانت‌اجراهایی را برای عدم عضویت در سامانه، عدم صدور صورتحساب الکترونیکی، عدم اعلام شماره حساب و عدم رعایت دیگر الزامات این قانون پیش‌بینی نموده است. در فصل چهارم نیز تشویق‌ها و تسهیلاتی را برای ترغیب مودیان به استفاده از پایانه فروشگاهی و سامانه مودیان مقرر نموده است. در حقیقت ماده (۲۲) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان، ضمانت‌اجراهایی را برای اجرای الزامات این قانون بیان داشته است. ماده مذکور عدم استفاده و یا استفاده ناقص از سامانه مودیان را جرم انگاری کرده است. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی در باره تحلیل ماده (۲۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان و مقایسه مجازات آن با جرایمی مانند «قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور» و جرائم رایانه‌ای صورت گرفته است. جرائمی که در این تحقیق مورد مطالعه قرار می‌گیرد، غیر از عدم استفاده از سامانه مودیان است. جرائمی که ممکن است حتی فراتر از یک فرار مالیاتی ساده بوده و نظام اقتصادی کشور را با مشکل مواجه کند. در این پژوهش بعد از تحلیل ماده (۲۳) قانون مذکور، این ماده از جهات مختلف با جرائم اخلاص در نظام اقتصادی مقایسه شده است.

۱. تحلیل ماده (۲۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان

این ماده تولید، عرضه یا استفاده از تجهیزات به قصد تقلب یا اخلال در نظام مالیاتی را مشمول مجازات تعزیری درجه شش غیر از حبس دانسته است. لذا لازم است ابتدا مفهوم برخی از عبارات مورد بررسی قرار گیرد؛

۱-۱. مفاهیم

الف. تقلب: قانونگذار ایران، جرم تقلب را تعریف نکرده و فقط به ذکر مصادیق آن اکتفا نموده است. (شامبیاتی، ۱۳۸۰:۴۳۲) نویسندگان حقوق خصوصی در تعریف آن نوشته‌اند: «فعل یا ترک فعلی که به قصد اضرار به حقوق دیگری و یا به قصد نقض قانون (= تقلب نسبت به قانون) صورت گیرد و پرده خفاء بر آن فعل یا ترک کشیده باشد. مانند مورد ماده ۲۱۸ ق.م. تقلب عاقد ممکن است به قصد اضرار به ثالث باشد یا به طرف دیگر عقد (تدلیس عاقد) (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹:۲۲۴) نویسندگان حقوق جزا نیز آن را به ترتیب ذیل تعریف نموده‌اند: «تقلب عبارت است از عملی مجرمانه که فاعل آن عمداً و یا به صورت غیر عمد با دگرگون کردن مواد شکلاً یا ماهیتاً و یا با نادرستی و دغلی در تهیه و عرضه مواد مزبور قصد لطمه زدن به سلامت و منافع افراد جامعه را دارد». (شامبیاتی، ۱۳۸۰:۴۳۳) تعاریف مذکور به نظر جای تأمل داشته باشد و استقرائی که از جرم انگاری‌های مختلف به عمل آمده است، به طور معمول اینگونه استنباط می‌شود که:

اولاً: در معنای تقلب نوشته‌اند: «دست انداختن در امور بخواست خود. تصرف در کارها بخواهش خود. برگشتن، برگردیدن. تغییر و تبدیل، ناراستی، دو رویی و مکر و حيله و دروغ و نیرنگ». (دهخدا، ۱۳۷۲:۷۰۴) از بررسی معانی مذکور اینگونه فهمیده می‌شود که منظور از تقلب تغییر ماهیت واقعی امور و اشیاء است، اینکه نویسندگان حقوق خصوصی و حقوق جزای فوق‌الذکر از آن مقاصدی مانند اضرار به حقوق دیگری و یا سلامت و منافع جامعه مطرح نموده‌اند، جای تأمل دارد، چرا که بعید است بتوان تقلب را در یک قصد خاص منحصر نمود، ممکن است شخص با تقلب قصد اضرار به جامعه داشته باشد، ممکن است قصد براندازی داشته باشد، گاهی تقلب برای کسب یک گواهی یا مدرک صورت می‌پذیرد که ممکن است هدف از آن صرفاً اظهار تشخص باشد نه سود جویی و اضرار به جامعه و یا ممکن است شخص متقلب از تقلب، قصد سود جویی داشته باشد. تقلب ممکن است به طور کلی جرم نباشد و فقط مسئولیت مدنی به همراه داشته باشد، و با یک برداشت گسترده از معنای تقلب یعنی تغییر و تبدیل در ماهیت امور یا کالا ممکن است، به خودی خود یک امر پسندیده نیز باشد، گرچه از تقلب به طور عمده مفهوم منفی استنباط می‌شود. به طور معمول افراد متقلب قصد سود جویی از عمل خود را دارند. البته از نتیجه این عمل نیز به افراد جامعه خسارت وارد می‌شود، ولی این دو قصد با هم متفاوت هستند، به عنوان مثال شخصی ممکن

است داروی مسهل را به تقلب به شخصی که خود برون‌روی دارد بدهد و هدف وی صرفاً ایذاء وی بوده و هیچگونه سودجویی در بین نباشد. ولی تقلب بیشتر به قصد سود جویی است؛ به عنوان مثال در مواد (۳) و (۱۴) قانون موارد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶ عبارات متقابلانه و مواد تقلبی مورد استفاده قرار گرفته است که قصد مجرمان به طور معمول کسب سود بیشتر است. این امر مورد توجه لغت‌شناسان نیز قرار گرفته و آنها در بیان معنای تقلب گفته‌اند: منظور از تقلب عبارت از تصرف در کاری به سود خود و به زیان دیگری است. (معین، ۱۳۸۷: ۴۹۳) قانونگذار قانون پایانه‌های فروشگاهی به طور دقیق مشخص نکرده که هدف از عرضه کالای معیوب، سود بردن چه کسی است؟ اینکه عرضه کننده‌ها با عرضه این نوع کالاها با صاحبان مشاغل تبانی دارند تا مالیاتی کمتری پرداخت نمایند و یا نه آنها فقط قصد عرضه کالای بی‌کیفیت را دارند که خود منتفع بشوند بدون اینکه مصرف کننده نیز اطلاعی از این موضوع داشته باشد و یا نه سیستم به گونه‌ای است که تراکنش‌های پرداخت را به حساب خود آنها منتقل می‌نماید. به نظر می‌رسد که در ماده (۲۳) منظور قانونگذار از بکار بردن «قصد تقلب» این است که شخص از روی عمد جنس خراب را مورد استفاده قرار دهد و حتی اگر عبارت قصد را نیز در اینجا به کار نمی‌برد، این مفهوم حاصل می‌گشت. به نظر می‌رسد که بهتر باشد به جای عبارت «قصد تقلب» عبارت «به طور متقابلانه» مورد استفاده قرار گیرد. عنصر مادی تقلب عبارت است از عرضه، تولید، استفاده جنسی به جای جنس دیگر است. ممکن است جنسی که تولید، عرضه و استفاده می‌شود، ماهیتاً غیر از آن چیزی باشد که اصولاً باید مورد استفاده قرار گیرد. ممکن است، نوع جنس مورد استفاده، با نوع جنس قابل استفاده، یکسان باشد، با وجود این به دلیل عدم رعایت استانداردها موجب خسارت و اختلال در سامانه‌ها و یا داده‌های مالیاتی شود. در رابطه با عنصر معنوی به نظر می‌رسد که جرم تقلب، صرفاً با عمد و علم صورت پذیرد. در جرم تقلب، خسارتی که به دیگران وارد می‌شود، باید متناسب به مرتکب باشد و به تعبیر دیگر رابطه سببیت بین عمل وی و خسارت وارده به‌وجود آمده باشد و الا اگر تمام عناصر مادی جرم وجود داشته و رابطه سببیت وجود نداشته باشد، نمی‌توان عمل را قابل استناد به مرتکب تقلب نمود. (مرادی، ۱۴۰۲: ۹۱)

ب. تخریب: ادعا شده که محل اصلی بحث تخریب جرائم علیه اموال و مالکیت است ولی به طور عمده در جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی مورد بحث قرار می‌گیرد. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۷: ۱۷۷) در نظام حقوقی انگلستان به موجب بخش (۱) «قانون تخریب کیفری» مصوب سال ۱۹۷۱، مجازات خراب کردن یا ایراد خسارت به طور عمد یا از روی سهل‌انگاری به مال متعلق به غیر حداکثر ده سال حبس و مجازات آتش زدن آن حداکثر حبس دائم است. (Mewett, 1985:678-680) در مقررات ایران نیز قوانین مختلفی تخریب را جرم انگاری نموده‌اند، منظور از تخریب، تخریبی است که حاصل آن خسارت است، بنابر این تخریب برای نوسازی و یا تخریب برای جلوگیری از خسارت

بیشتر نباید جرم محسوب شود. خسارت ممکن است به دولت و یا افراد جامعه وارد شود. هر دو این موارد جرم بوده و قانون مجازات اسلامی به آنها پرداخته است. تخریبی که در ماده (۲۳) مطرح شده ممکن است با هر دو آن تخریب‌ها متفاوت باشد، در این نوع تخریب، گرچه مال دیگران تخریب می‌شود، ولی خسارت به دولت وارد می‌شود. البته ماده قانونی می‌تواند شامل تخریب پایانه فروشگاه و نرم‌افزار و سخت افزار خود شخص و یا تخریب پایانه فروشگاه و نرم افزار و سخت افزار دیگران باشد. گستره و دامنه عنصر مادی تخریب ممکن است نسبت به اموال مختلف متفاوت باشد، تخریب اموال الکترونیکی ممکن است با تخریب اموال مادی متفاوت باشد. (الهی‌منش؛ مرادی اوجقاز، ۱۴۰۰، ۱۱۷) به عنوان مثال براساس ماده (۸) قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، حذف و اختلال غیر مجاز در داده‌های دیگری از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل داده، اختلال و تخریب تلقی می‌شود. همچنین براساس همان ماده غیرقابل پردازش نمودن داده‌های دیگری نیز همان عنوان را پیدا می‌کند. تخریب و اختلال در سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی ممکن است با وارد نمودن، انتقال دادن، پخش کردن، حذف کردن، متوقف نمودن و دستکاری یا تخریب داده‌ها صورت پذیرد. (ماده ۹ قانون جرائم رایانه‌ای) با توجه به اینکه موضوع مورد بحث (سامانه فروشگاه) نیز تخریب سامانه رایانه‌ای است، لذا این سؤال مطرح می‌شود که آیا تخریب این نوع سامانه‌ها صرفاً با فعل مثبت امکان‌پذیر بوده و یا فعل منفی نیز می‌تواند موجب تخریب شود؟ به نظر می‌رسد تخریب و اختلال اصولاً با فعل مثبت انجام می‌شود مگر اینکه شخصی موظف به انجام کاری نسبت به داده‌ها و یا سامانه‌ها بوده باشد ولی وظیفه خود را انجام نداده باشد، در این صورت اگر عنصر معنوی تحقق پیدا کند، جرم صورت می‌پذیرد. در تخریب لازم نیست که تمام داده‌ها از بین برود، از بین رفتن قسمتی از آنها نیز می‌تواند عنوان تخریب به خود بگیرد، با وجود این اگر هیچ خسارتی به مال وارد نشود، نمی‌توان حکم به تخریب کیفی صادر کرد، البته تشخیص ورود خسارت به مال، با توجه به نوع آن با عرف است. (پوریافرانی، ۱۴۰۲: ۸۹)

در تخریب لازم است که شخص عمداً اقدام به تخریب مال دیگری بکند، لذا جرم تخریب با سهل انگاری یا بی‌احتیاطی صورت نمی‌پذیرد، مگر آن که حکم خاصی در این باره موجود باشد. این رویکرد در آرای دیوان عالی کشور نیز مشاهده می‌شود. (سالاری شهر بابکی، ۱۳۹۸: ۶۴) به عنوان مثال، براساس رأی شماره ۱۴۹۵ مورخ ۱۳۱۹/۵/۲۲، اگر به دلیل بی‌مبالاتی شخصی درختان دیگری آتش بگیرد، عنوان «آتش زدن» برای آن صدق نمی‌کند. در باره عنصر معنوی ذکر این نکته لازم است؛ مرتکب باید نسبت به تعلق مال به دیگری آگاه باشد. لذا اگر وی تصور کند که مال برای وی هست، جرم تخریب صورت نمی‌پذیرد. با وجود این براساس ماده (۲۳) قانون پایانه فروشگاه، اگر شخصی پایانه فروشگاه خود را تخریب کند، مجرم شناخته شده و مستوجب مجازات خواهد شد. البته اگر شخصی عذر موجهی داشته باشد، ممکن است جرم تخریب تحقق پیدا نکند، به عنوان مثال اگر شخصی برای حفظ مال متعلق به

تحلیل ماده (۲۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان و مقایسه جرم انگاری آن با قوانین دیگر ۱۸۳

خود یا دیگری، مال دیگری را تخریب کند، مستوجب مجازات تخریب نخواهد بود. برای تحقق جرم تخریب لازم نیست که قصد خسارت وارد آوردن نسبت به همان مالی وجود داشته باشد که عملاً نابود شده است. (پوریافرانی، ۱۴۰۲، ۹۰)

ج. اخلال در نظم عمومی و نظام مالیاتی

یک: اخلال در نظم عمومی: در اصل مبنای نظام کیفری «نظم عمومی» است. لذا در تبیین مجازات بیان داشته‌اند: «مجازات، ضامن اجرای قواعد مربوط به نظم عمومی است و از سایر وسایل تضمینیه ممتاز و مشخص است» (کبیری، ۱۳۹۹: ۲۵) اخلال در نظم عمومی، در حقوق کیفری دارای درجاتی هست، گاهی با به کار بردن کلمات یا رفتارهای تهدید آمیز یا توهین آمیز علیه دیگری یا نشان دادن هر علامت یا نوشته‌ای که بتواند چنین اثری را داشته باشد، موجب اخلال در نظم عمومی می‌شود. (Atkin v. D.p.p.) زمانی نیز نزاع جمعی در ملاء عام و به کار بردن تهدید با استفاده از قوه قهریه نامشروع علیه دیگری باعث رفتاری شود که بتواند یک شخص متعارف را بترساند. (Smith, 1994: 752-757) گاهی نیز اخلال در نظم عمومی به منزله مقابله با حاکمیت بوده و در این صورت این نوع جرم، از زمره جرائم عادی خارج شده و در ردیف جرائم علیه امنیت ملی قرار می‌گیرد، همانگونه که از ماده (۲) قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مشخص است، از جمله این جرائم، اخلال در نظام اقتصادی کشور است. (اسلامی، ۱۳۹۹: ۶۸) البته جرم اخلال در نظام اقتصادی، خود به دو گروه تقسیم می‌شود؛ الف. اختلال در نظام اقتصادی به قصد منفعت شخصی و بهره برداری از آن. ب. اخلال در نظام اقتصادی به قصد اخلال در امور کشور. بدیهی است که مجازات جرم (الف) نسبت به مجازات جرم (ب) سبک‌تر است، درست است که برداشتن یک نان از نانوائی به قصد سرقت، اخلال در نظام عمومی محسوب می‌شود، ولی نمی‌توان آن را با جرم یک خائن مقایسه نمود.

دو. اخلال در نظام مالیاتی: امروزه مالیات به عنوان رکن اصلی درآمدهای دولت محسوب می‌شود، البته گاهی منابع دیگری مانند درآمدهای ناشی از فروش نفت نیز مطرح است که به دلیل تحریم‌های بین‌المللی ثبات و پایداری آن نسبت به درآمدهای مالیاتی متزلزل است. (احمدی موسوی، ۱۳۹۵: ۳۸) لذا گفته می‌شود که مالیات مظهر حاکمیت دولت بوده و از جایگاه ویژه‌ای در نزد دولت‌ها برخوردار است. به همین دلیل تمام کشورها برای اینکه این سازمان وظایف خود را بتواند به نحو احسن انجام دهد، حقوق و امتیازات و اقتداراتی ویژه برای آن وضع می‌نمایند که به آن «اعمال قدرت مالیاتی» گفته می‌شود. (رستمی، ۱۳۸۷: ۵۲) با این نگاه اخلال در نظام مالیاتی به معنای اخلال در رکن اصلی درآمد حاکمیت بوده و بدون تردید اخلال اگر به شکل جدی صورت پذیرد حاکمیت را با مشکل جدی مواجه می‌نماید. اگر آنگونه که برخی نظریه‌پردازان داخلی و خارجی بیان می‌کنند، جنگ اقتصادی، یکی از مهمترین چالش‌های بین‌المللی کشورها به ویژه ایران باشد، (حسینی، ۱۳۹۷: ۳۸) اخلال در نظام مالیاتی می‌تواند

یکی از مهمترین حربه‌ها در این زمینه باشد و بنابراین ارتکاب این جرم به این قصد می‌تواند خیانتی نابخشودنی محسوب شود.

۲-۱. عناصر سه گانه جرم

عناصر قانونی، مادی و معنوی جرم موصوف مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛

الف- از بین عناصر سه گانه جرم، ماده (۲۳)، عنصر قانونی ماده (۲۳) بوده که دارای دو تبصره نیز است؛ تبصره یک آن تکرار جرم و تبصره دو اقدام گروهی و سازمان یافته را جرم‌انگاری کرده است. ب- عنصر مادی: یکی از جهات نقد این جرم، گستره عنصر مادی این جرم است. این موارد عبارتند از؛

اقدام به تولید تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و پایانه‌های فروشگاه‌های معیوب.

عرضه تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و پایانه‌های فروشگاه‌های معیوب.

استفاده از تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و پایانه‌های فروشگاه‌های معیوب.

تولید تجهیزات معیوب کننده تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و پایانه‌های فروشگاه‌های معیوب.

عرضه تجهیزات معیوب کننده تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و پایانه‌های فروشگاه‌های معیوب.

استفاده از تجهیزات معیوب کننده تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و پایانه‌های فروشگاه‌های معیوب.

تخریب پایانه‌های فروشگاه‌های خود.

تخریب پایانه فروشگاه‌های دیگران

نکته‌ای که در این مورد وجود دارد این است که گستره تخریبی و معیوبی تجهیزات نیز تبیین نشده است. از ظاهر ماده اینگونه معلوم است که جرم مذکور از این جهت نیز دارای قلمرو وسیعی است، ضمن اینکه ممکن است مجرم فقط تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و یا پایانه فروشگاه‌های خود را دستکاری نموده و آن را تخریب کند، با توجه به عبارت «اخلال در نظام مالیاتی» در این ماده، این مجازات شامل مجرمی نیز می‌شود که به طور عمده تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دیگران را نیز تخریب نموده و یا برای از کار انداختن آنها تجهیزات معیوب کننده مورد استفاده قرار دهد. با توجه به توسعه روز افزون سیستم‌های الکترونیکی این احتمال وجود دارد که تخریب‌ها به اندازه‌ای مخرب باشد که نظام مالیاتی کشور را مختل نمایند، ماده مذکور شامل این حجم از تخریب نیز می‌گردد. (علاء، ۱۳۷۲: ۱۴-۱۸)

ب. عنصر معنوی: عنصر معنوی یا روانی جرم مذکور مانند دیگر جرائم از دو عامل تشکیل شده است؛ الف- اراده ارتکاب فعل. ب- قصد مجرمانه. (گلدوزیان، ۱۳۸۳: ۱۷۸) بدون تردید بحث ما نیز در حیطه این دو عامل است. اگر شخصی بدون اراده و قصد، دستگاهی را تخریب نموده و یا آن را مورد

تحلیل ماده (۲۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان و مقایسه جرم انگاری آن با قوانین دیگر ۱۸۵

استفاده قرار دهد، در نهایت مشمول مسئولیت مدنی خواهد شد. (عباسی، ۱۳۹۰: ۴۸ - ۳۴) و هیچگونه جرمی را مرتکب نشده است. ماده مذکور از دو نوع قصد نام برده است؛

قصد تقلب: پیش‌تر بیان شد بهتر است، به جای عبارت «به قصد تقلب» عبارت «به طور متقلبانه» مورد استفاده قرار گیرد. و حتی عباراتی مانند قصد سود جویی، یا قصد اضرار یا قصد فرار از پرداخت مالیات، قصد براندازی نظام بهتر از تعبیر «قصد تقلب» است، چرا که تقلب به معنای تصرف در ماهیت کارها و یا کالاها است.

قصد اخلال در نظام مالیاتی که ممکن است حتی با هدف براندازی نظام صورت پذیرفته باشد.

۲. تناسب جرم با مجازات

یکی از اصول مورد قبول در جرم‌انگاری اصل تناسب جرم و مجازات است. این اصل نه تنها از ملزومات اولیه انصاف و عدالت بوده بلکه می‌تواند نظم عمومی جامعه را نیز حفظ نماید سوالی که در اینجا مطرح بوده این است که آیا در ماده (۲۳) فوق‌الذکر این اصل رعایت شده است یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال اخلال در نظام مالیاتی را با چند جرم دیگر مورد مقایسه قرار می‌دهیم؛

۱-۲. مقایسه مجازات اخلال در نظام مالیاتی با جرائم مالیاتی

ماده ۲۷۴ قانون مالیات‌های مستقیم، جرائم مالیاتی را احصاء نموده است، در مقایسه مواد (۲۷۴) ق.م.م با ماده (۲۳) مذکور، معلوم می‌شود که اولاً؛ جرائم این ماده هم از بعد عنصر مادی و هم از لحاظ عنصر معنوی نسبت به جرائم ماده (۲۷۴) خیلی سبکتر است.

از بعد عنصر مادی در ماده (۲۷۴) هیچگونه تخریبی صورت نمی‌پذیرد، در حالی که به موجب ماده (۲۳) تخریب صورت می‌پذیرد.

از بعد عنصر معنوی در ماده (۲۷۴) نهایت قصدی که وجود دارد، فرار مالیاتی خود شخص است و حتی ممکن است قصد فرار مالیاتی نیز در بین نباشد. به عنوان مثال بند (۶) ماده (۲۷۴) ق.م.م برای یک دوره‌گردی که هیچگونه اطلاعاتی ندارد جرم انگاری نموده است. ماده (۲۳) نه تنها ممکن است قصد فرار مالیاتی داشته باشد، ممکن است به طور گسترده فرار مالیاتی دیگران را نیز باعث شود. علاوه بر آنها ممکن است شخص قصد اخلال در نظام مالیاتی داشته باشد.

ثانیاً؛ مجازات ماده (۲۷۴) ق.م.م نیز گرچه درجه شش تلقی شده، ولی در ماده اخیر حکم حبس از مجازات استثناء نشده است، در حالی که در ماده (۲۳) جرم حبس حتی از افرادی که قصد اخلال در نظام مالیاتی را دارند نیز برداشته شده است. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا جرائم مالیاتی به ویژه جرم ماده (۲۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی در زمره جرائم عمدی است یا خیر؟ در این باره اختلاف نظر وجود دارد، در حالی که برخی از منابع مالیاتی بیان داشته‌اند؛ در جرائم مالیاتی عنصر روانی

جرم نوعاً مفروض است و بیشتر جنبه مادی صرف دارد. زیرا حرفه‌ای بودن صاحبان مشاغل و فنی و تخصصی بودن ارتکاب این قبیل جرائم با آگاه بودن آنها از آثار اعمالشان ملازمه دارد. آنچنان که در ماده (۲۷۴) قانون مالیات‌های مستقیم از بیان قانونگذار به جز در بند (۷) مشخص است که عنصر معنوی جرائم موضوع این ماده را مفروض تلقی نموده و فقط در بند ۷ مقرر شده است «استفاده از کارت بازرگانی افراد به منظور فرار مالیاتی»، مرتکب باید علم و آگاهی به عدم تعلق کارت به دیگری را داشته باشد. (مرکز آموزش، پژوهش و برنامه ریزی مالیاتی، معاونت آموزشی، ۱۴۰۰: ۳۴) به نظر می‌رسد که این دیدگاه که جرائم مالیاتی موضوع ماده (۲۷۴) غیر عمدی بوده صحیح نباشد. این دیدگاه ناشی از دو استدلال است؛ الف. حرفه‌ای بودن صاحبان مشاغل و فنی و تخصصی بودن ارتکاب این قبیل جرائم با آگاه بودن آنها از آثار اعمالشان ملازمه دارد. به عنوان مثال، ممکن است حتی وکلای دادگستری و خود ماموران مالیاتی نیز گاهی به تکالیف مودیان آگاهی نداشته باشند، درحالی که بند (۶) ماده (۲۷۴) قانون مالیات‌های مستقیم، خودداری از انجام تکلیف قانونی در خصوص تنظیم و تسلیم اظهارنامه مالیاتی حاوی اطلاعات درآمدی و هزینه‌ای در سه سال متوالی را جرم‌انگاری نموده است و یا تنظیم معاملات خود به نام دیگران، یا معاملات مودیان دیگر به نام خود را جرم انگاشته است. این در حالی است که در جامعه بنا به دلائل مختلف از جمله مثلاً برای اخذ وام و غیره، این اتفاق صورت می‌پذیرد. بند ۴ ماده مذکور، عدم انجام تکالیف قانونی در رابطه با مالیات تکلیفی را جرم انگاری نموده، در حالی که ممکن است مؤدی نسبت به آن آگاهی نداشته باشد. استدلال دوم وی این است که قانونگذار در بند (۷) سوء نیت و قصد فرار مالیاتی را اعلام نموده ولی در موارد دیگر اعلام نداشته است. به نظر می‌رسد که ذکر «به منظور فرار مالیاتی» در بند (۷) برای استفاده از کارت بازرگانی، دلیل دیگری داشته است. اصولاً در استفاده از کارت دیگران، عنصر روانی مفروض است و در حقیقت یکی از مهمترین مصادیق فرار مالیاتی از طریق کارت بازرگانی صورت می‌پذیرد ضمن اینکه دارندگان کارت بازرگانی نوعاً از تجار حرفه‌ای هستند و انتظار می‌رود که آنها چگونگی استفاده از کارت مذکور را رعایت نمایند، با این وجود قانونگذار استفاده از کارت بازرگانی دیگری را در اینجا فقط در صورتی جرم دانسته که به منظور فرار مالیاتی صورت پذیرفته باشد.

اما در پاسخ به این سؤال که جرم ماده (۲۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان، جرم عمدی بوده یا جرمی غیر عمدی است، باید گفت که این جرم، یک جرم عمدی بوده و لازم است که شخص به قصد تقلب یا اخلال، اقدامات لازم را انجام دهد. ولی اینکه جرم مذکور، یک جرم مقید بوده و یا جرم مطلق است، به تعبیر دیگر آیا لازم است، به واسطه به کاربردن سیستم‌های معیوب و یا ارتکاب به دیگر رفتارهای مجرمانه احصاء شده در قانون، از پرداخت مالیات فرار نماید و یا مالیاتی کمتر پرداخت کند و یا صرف ارتکاب به رفتارهای مجرمانه مشمول مجازات می‌گردد، به نظر می‌رسد که جرم مذکور،

تحلیل ماده (۲۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان و مقایسه جرم انگاری آن با قوانین دیگر ۱۸۷

از این بعد مطلق بوده، و صرف ارتکاب به رفتارهای مجرمانه احصاء شده، با قصد تقلب و یا اخلال در نظام مالیاتی، مشمول مجازات باشد و نیازی نیست که در این حالت حتماً مالیاتی کمتر پرداخت نموده و یا از پرداخت مالیات فرار نموده باشد.

۲-۲. اخلال در نظام مالیاتی و تقلب

ماده (۲۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان دو نوع قصد مجرمانه را به عنوان عنصر معنوی تبیین نموده است؛ الف. قصد تقلب. ب. اخلال در نظام مالیاتی کشور. هر دو این موارد را مشمول مجازات تعزیری درجه شش قانون مجازات اسلامی به غیر از حبس مقرر نموده است. به نظر می‌رسد که این دو نوع مجازات در یک سطح نباشند، در تقلب به طور معمول قصد انتفاع و سود بردن مطرح است و نهایت قصد اضرار. ولی اخلال در نظام مالیاتی به عنوان رکن اصلی درآمدهای دولت، باید مشمول مجازات سنگین‌تری باشد.

۲-۳. اخلال در نظام مالیاتی و جرم تخریب

قانون مجازات اسلامی در مواد متعدد به جرم تخریب اموال پرداخته است و حداقل مجازاتی که برای جرم تخریب اموال منقول دیگران در نظر گرفته است؛ حبس از شش ماه تا سه سال برای اموال منقول است (ماده ۹۰۳ قانون مجازات اسلامی) البته این مجازات برای کسانی که وسایل و تاسیسات مورد استفاده عمومی را تخریب می‌نمایند، بدون آنکه منظور آنها اخلال در نظم و امنیت عمومی باشد، سه تا ده سال می‌باشد. (ماده ۹۱۳ قانون مجازات اسلامی) در صورتی که اعمال مذکور به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت. (تبصره ۱ ماده ۹۱۳ قانون مجازات اسلامی) جرم اخیر پیشتر در قانون اخلاگران در تاسیسات آب و برق و گاز مخابرات کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۱۲ پیش‌بینی شده بود. (جلیلیان، ۱۳۹۶: ۱۷) همانطور که از متن ماده مذکور مشخص است، تعلق این اموال به دولت شرط تحقق جرم مشمول این ماده نمی‌باشد، بلکه مهم آن است که اموال مذکور «برای استفاده عمومی» ایجاد شده باشند. (فرید علی آباد، ۱۳۹۴: ۷۹) در حقوق انگلستان برای این نوع جرائم مجازات‌هایی در قوانین مختلف پیش‌بینی شده است. از جمله قانون خطوط تلگرافی زیر دریایی مصوب سال ۱۸۸۵، برای صدمه زدن به این خطوط در حالت عمد پنج سال و در حال مسامحه سه ماه حبس تعیین شده است. (Smith, 1994: 884-887) در قانون جزای آلمان نیز خرابکاری علیه تاسیسات عمومی، مستوجب حبس تا پنج سال می‌باشد.

همچنانکه پیش‌تر بیان شد، در ماده (۲۳) به نوعی تخریب صورت می‌گیرد تا مالیات کمتری پرداخت شود، شاید بتوان به نوعی این جرم را با جرم ماده (۹۱۳) قانون مجازات اسلامی مقایسه نمود، ماده (۲۳) قانون پایانه فروشگاهی نیز دو نوع جرم را پیش‌بینی نموده است؛ الف. جرمی که عنصر مادی تخریب

توأم با قصد تقلب و خسارت زدن به دولت را دارد. ب. جرمی که عنصر مادی تخریب توأم با قصد اخلال در نظام مالیاتی است. قانون مجازات اسلامی در تبصره (۱) ماده (۹۱۳) به تبیین تخریبی که به منظور اخلال در نظم پرداخته و حکم محارب را برای اینگونه افراد جاری دانسته است، این در حالی است که قانونگذار در قانون پایانه‌های فروشگاهی حتی اجازه حبس اینگونه مجرمان را نیز نداده است. بدیهی است اخلال در نظام مالیاتی یکی از مهمترین مظاهر و تجلیات نظم عمومی محسوب می‌شود.

۳. تعریف جرم اخلال در نظام اقتصادی و مقایسه آن با اخلال در نظام مالیاتی

قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور، به احصاء اعمالی پرداخته است که منجر به اخلال در نظام اقتصادی کشور شده و به جرم‌انگاری شدید آنها پرداخته است. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا اخلال در نظام مالیاتی نیز می‌تواند در زمره جرائم اخلال در نظام اقتصادی کشور تلقی شود یا خیر؟ لذا لازم است تعریفی از جرائم اقتصادی ارائه شده و سپس جرم اخلال در نظام مالیاتی با هر یک از جرائم مذکور مقایسه گردد.

۳-۱. تعریف جرم اقتصادی

برخی از نویسندگان به جای تعریف جرم اقتصادی به احصاء ویژگی‌های آن به ترتیب ذیل پرداخته‌اند؛ الف. جرم اقتصادی در قالب تجارت و فعالیت‌های حرفه‌ای به طور عمده عاملان به دنبال سود هستند، و به صورت یک مجموعه یا سیستم منسجم و سازمان یافته رفتار می‌کنند. ب. مرتکبین به طور کلی و نه الزاماً از یک موقعیت یا قدرت اجتماعی یا سیاسی یا هر دو برخوردار هستند. ج. با استفاده از فعالیت‌های تجاری، صنعتی و فنی، قانونی و حرفه‌ای انجام می‌شود. (باغبان زاده، ۱۳۹۸: ۹۵) در نقد تبیین مذکور باید گفت؛ به نظر می‌رسد که تبیین ویژگی‌ها و حتی ارائه تعریف از یک جرم باید مبتنی بر اصل «قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها» باشد، به تعبیر دیگر برخلاف حقوق خصوصی که ارائه تعریف و تبیین ویژگی در آن می‌تواند مبتنی بر اصول باشد، در حقوق عمومی تعاریف و تبیین ویژگی باید مبتنی بر قانون باشد. در تبیین ویژگی مذکور موقعیت سیاسی و اجتماعی افراد در نظر گرفته شده، این در حالی است که موقعیت سیاسی و اجتماعی مجرم نمی‌تواند شناسه مناسبی برای جرم اقتصادی باشد. ضمن اینکه قانون مذکور هیچ اشاره‌ای به اینچنین موقعیت ننموده است. همچنین اخراج نمودن میراث فرهنگی از کشور که در بند (د) ماده (۱) بیان شده، نیز در زمره فعالیت‌های تجاری نبوده و ربطی به یک فعال تجاری و حرفه‌ای ندارد. برخی از نویسندگان بین جرائم اقتصادی و مالی تفکیک قائل شده‌اند. (کبیری، ۱۳۹۹: ۴۳) برخی دیگر آن دو را مترادف هم دانسته‌اند. (الهام، ۱۳۸۵: ۳) برخی نیز اقدامی را که به نظام تولیدی کشور آسیب و صدمه بزند، ملاکی برای تشخیص جرائم اقتصادی دانسته‌اند. (کمیحانی، ۱۳۷۳: ۶۰)

شاید جرم اخلال در نظام اقتصادی را به ترتیب ذیل تعریف نمود: «جرم اقتصادی به هر فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌شود که به قصد سود جویی، یا اخلال در نظم عمومی، به طور عمد به ارزش‌های اقتصادی جامعه ضربه وارد نماید».

این تعریف تفاوت جرم اقتصادی و جرم مالی را نیز تبیین می‌نماید. در جرم اقتصادی، لطمه‌ای که به ارزش‌های اقتصادی جامعه وارد می‌شود قابل توجه است ولی در جرائم عادی مالی اینگونه نیست.

۲-۳. جرم اخلال در نظام مالیاتی و اخلال در نظام اقتصادی

قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور، بدون ارائه تعریف و مبنای دقیق از جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور، اقدام به احصاء آنها نموده و شش مورد از آنها را به ترتیب ذیل بیان کرده است؛ الف. اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور.

ب. اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گرانفروشی و احتکار و امثال آن.

ج. اخلال در نظام تولیدی کشور از طریق سوء استفاده از فروش غیر مجاز و یا رشاء و ارتشاء و اخذ مجوزهای تولیدی که موجب اختلال در تولید می‌شود.

د. اخراج میراث فرهنگی و ثروت ملی.

ه. وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب اخلال در نظام اقتصادی می‌شود.

و. اقدام باندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی کشور به هر صورت.

بدون تردید فقط موارد ششگانه فوق نیستند که به ارزش‌های اقتصادی کشور اخلال وارد نموده و نظام اقتصادی کشور را با مشکل مواجه می‌سازد، به عنوان مثال آیا قاچاق کالا مشمول جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور می‌شود یا خیر؟ با وجود اینکه قانونگذار در بند (الف) ماده (۱) قاچاق عمده ارز را مشمول جرم اخلال در نظام اقتصادی نموده، اما در باره قاچاق کالا قانون مذکور سکوت نموده و برخی از نویسندگان با تحقق امور زیر آن را مشمول جرم مذکور دانسته است؛ الف. در باب عنصر مادی لازم است که از رفتار قاچاقچی در نظام تولیدی کشور اخلال ایجاد شود. ب. از باب عنصر معنوی، اگر قاچاقچی در پی قاچاق کالا بوده لکن قصد اخلال یا علم به وقوع آن نداشته است، بعید است که بتوان ایشان را اخلالگر نظام اقتصادی کشور دانست. (خسرو شاهی، ۱۳۹۸: ۳۳) در مورد اینکه آیا قاچاق کالا مشمول جرم مذکور می‌شود یا خیر؟ و ادعاهای فوق اظهار نظر نمی‌کنیم فقط به این امر بسنده می‌کنیم که جرائمی وجود دارد که ممکن است در نظام اقتصادی کشور اخلال ایجاد کند ولی در قانون مذکور احصاء نشده است.

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا حکم قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور، قابل تسری به ماده (۲۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان هست یا خیر؟ با توجه به اینکه نظام مالیاتی رکن اقتصادی حاکمیت تلقی می‌شود، بدون تردید اخلال در این نظام مالیاتی، اخلال در نظام اقتصادی به مفهوم عام تلقی می‌شود، گرچه به نظر ما به دلیل اصل «قانونی بودن جرم و مجازات» تا زمانی که قانونگذار تصریح ننموده نمی‌توان حکم جرائم اخلال در نظام اقتصادی کشور را به جرائمی مانند اخلال در نظام مالیاتی و یا حتی قاچاق کالا تسری بدهیم. (مظاهری تهرانی، ۱۳۸۵: ۱۲۰) ولی بدون تردید وضع یک نوع مجازات آن هم مجازات بدون حس، برای طیف وسیعی از جرائم که از تخریب سامانه فروشگاهی خود شخص گرفته تا بکارگیری تجهیزات تخریب کننده برای سامانه فروشگاهی هزاران مؤدی به قصد اخلال در نظام مالیاتی صحیح نباشد. در هر حال اگر تخریب در ماده (۲۳) به قدری وسیع باشد که در مطالبه و وصول مالیات اخلال ایجاد شود، جرم مذکور قابل مقایسه با جرائم اخلال در نظام اقتصادی بوده ولی نمی‌توان حکم اخلال در نظام اقتصادی را بر آن جاری دانست. به عنوان مثال؛ از بین عناصر مادی، عناصر ذیل که در ماده مذکور بیان شده است، اگر به طور عمده مورد استفاده قرار گیرد می‌تواند با جرائم اخلال در نظام اقتصادی مقایسه شود؛

الف. اقدام به تولید و عرضه تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و پایانه‌های فروشگاهی معیوب.

ب. تولید و عرضه تجهیزات معیوب کننده تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و پایانه‌های

فروشگاهی

۳-۳. جرم اخلال در نظام مالیاتی در تطبیق با جرائم رایانه‌ای

پایانه فروشگاهی و سامانه مودیان در حقیقت وسیله یا سامانه‌ای هستند که امکان ارتباط بین مؤدی و سازمان امور مالیاتی برقرار می‌کنند و از این طریق بین آن سازمان و مودیان و حتی مودیان با یکدیگر تبادل اطلاعات صورت می‌گیرد. به تعبیر دیگر ارتباط مذکور ارتباط الکترونیکی بوده و در حقیقت ارتباط آنها به صورت رایانه‌ای صورت می‌پذیرد. منظور از جرائم موضوع ماده (۲۳) قانون موصوف، جرائم در محیط الکترونیکی بوده و لذا به نظر می‌رسد که جرائم مذکور، شامل تخریب فیزیکی نشود، به عنوان مثال آتش زدن، اتلاف در زمره این نوع جرائم نیست، بنابراین می‌توان جرائم قانون تجارت الکترونیکی را با جرائم مذکور یکی دانست.

فصل یکم از قانون جرائم رایانه‌ای مطلق بوده و شامل جرائم علیه محرمانگی داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای است. ماده (۱) این قانون به طور کلی دسترسی غیر مجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای را که به وسیله تدابیری امنیتی حفاظت شده را جرم‌انگاری نموده و کسی را که به طور غیر مجاز به داده‌ها دسترسی پیدا می‌کند را مشمول مجازات دانسته است. سامانه‌های رایانه‌ای و داده فقط از این جهت که

تحلیل ماده (۲۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان و مقایسه جرم انگاری آن با قوانین دیگر ۱۹۱

«به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت می‌شود» مقید بوده و بنابر این شامل هر نوع سامانه‌های رایانه‌ای و داده‌های رایانه‌ای می‌شود. تعبیر «به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت می‌شود»، این سؤال را به‌وجود می‌آورد که آیا حکم مربوط به سامانه‌ها و داده‌های مذکور، مختص حاکمیت بوده و یا نه دسترسی غیر مجاز و اختلال در هر نوع سامانه و داده‌ای که اصول امنیت اطلاعات در آن رعایت می‌شود، مشمول این قانون می‌گردد؟

با توجه به اهمیت امنیت در شبکه‌های اطلاعاتی، به نظر می‌رسد منظور قانونگذار، دسترسی به اطلاعاتی است که حداقل استانداردهای امنیتی در باره آن‌ها رعایت شده باشد و بنابراین فرق نمی‌کند که سامانه و یا داده حاکمیتی بوده و یا برای دیگر افراد جامعه از جمله تجار باشد. (واعظی نژاد، محمد مهدی، ۱۳۹۵، ۲۸) براین اساس به نظر می‌رسد که دسترسی مذکور می‌تواند شامل پایانه فروشگاهی و سامانه مودیان و حتی حافظه مالیاتی نیز گردد. گاهی ممکن است دسترسی غیر مجاز به سامانه مودیان و پایانه فروشگاهی مشمول حکم ماده (۳) قانون جرائم رایانه‌ای گردد، چرا که براساس تبصره (۱) ماده (۳) داده‌های سری داده‌هایی است که افشای آنها به امنیت کشور یا منافع ملی لطمه می‌زند. ماده (۶) قانون جرائم رایانه‌ای، جعل رایانه‌ای را جرم‌انگاری نموده است. در بند (الف) این ماده، دو رفتار جرم‌انگاری شده است؛ یک- تغییر داده‌ها. دو- ایجاد داده. به نظر می‌رسد که نه تنها ایجاد داده، بلکه تغییر آن نیز باید در داده‌هایی صورت پذیرد که قابل استناد است. به نظر می‌رسد که بند (ب) این ماده در حقیقت تکرار بند (الف) بوده و نیازی به آوردن بند ب نبود. (فتاحی، ۱۳۹۷: ۱۰۵) برخی از جرائم موضوع ماده (۶) و ماده (۸) قانون جرائم رایانه‌ای صرف حذف یا مختل نمودن یا غیرقابل پردازد و یا تخریب نمودن داده‌های دیگری، از سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی را مشمول مجازات دانسته است. چهار رفتار مجرمانه؛ ایجاد اختلال، تخریب، حذف و غیر قابل پردازش نمودن باید در محیط سایبری رخ دهد. بنابراین تخریب به طور فیزیکی دستگاه پوز یا دستگاه گوشی و یا رایانه مشمول این مجازات نمی‌شود. (جاوید نیا، ۱۳۹۲، ۷۷) سؤال دیگری که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا لازم است داده‌های مذکور تحت حداقل تدابیر امنیتی قرار گرفته باشد، یا ضرورتی به آن نیست. گرچه از نص قانون حذف، تخریب یا اختلال در تحت تدابیر امنیتی ذکر نشده است، ولی به نظر می‌رسد که وجود این تدابیر لازم بوده باشد. اگر مراد قانونگذار، هرگونه حذف و اختلال باشد، حذف و اختلال مذکور شامل، مواردی نیز خواهد بود که دارنده اطلاعات و داده‌ها، حتی اطلاعات مذکور را ذخیر نیز نکرده باشد، بنابر این باید حفظ اطلاعات تحت حداقل تدابیر امنیتی ضروری است.

ماده (۱۳) قانون جرائم رایانه‌ای گستره‌ای وسیعی از جرایمی را بیان داشته است، که مرتکب با وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سامانه، وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری تحصیل کند. عناصر مادی این جرم، با بسیاری از عناصر مادی جرم

ماده (۲۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی شبیه هستند. در هر دو جرم، مرتکب با استفاده از تجهیزات سخت‌افزای و نرم‌افزاری، سامانه‌ای را تخریب نموده و منفعت و مالی را کسب می‌نمایند. این در حالی است که در ماده (۲۳) مرتکب فقط مشمول مجازات تعزیری درجه شش قانون مجازات اسلامی به غیر از حبس محکوم می‌شود، این در حالی است که به موجب ماده (۱۳) قانون جرائم رایانه‌ای وی ممکن است به یک الی پنج سال حبس محکوم گردد. ماده (۱۱) قانون جرائم رایانه‌ای نیز با برخی از رفتارهای مجرمانه ماده (۲۳) شبیه هست. به موجب ماده (۱۱) قانون جرائم رایانه‌ای، مرتکب سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی برای ارائه خدمات ضروری عمومی از قبیل آب، برق، گاز، مخابرات، حمل و نقل و بانکداری را مختل می‌کند، و در قسمتی از ماده (۲۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی وی به قصد اخلال در نظام مالیاتی کشور، اقدام به تولید، عرضه یا استفاده از تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری می‌کند. در حالی که ماده ۲۳ مرتکب را به مجازات تعزیری درجه شش قانون مجازات اسلامی به غیر از حبس محکوم می‌کند، ماده (۱۱) قانون جرائم رایانه‌ای مرتکب را مستحق سه تا ده سال حبس می‌داند.

لازم به ذکر است که ماده (۲۶) قانون جرائم رایانه‌ای در مواردی مجازات مرتکب را تا دو سوم حداکثر یک یا دو مجازات مقرر، محکوم نموده است. از جمله اینکه؛

داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای مخابراتی، متعلق به دولت یا نهادها و مراکز ارائه دهنده خدمات عمومی باشد.

جرم به صورت سازمان‌یافته ارتکاب یافته باشد.

جرم در سطح گسترده‌ای ارتکاب یافته باشد.

براین اساس می‌توان جرائم مربوط به ماده (۲۳) را گاهی مشمول حکم ماده (۲۶) قانون جرائم رایانه‌ای دانست.

نتیجه گیری و پیشنهادها

نتیجه گیری

قانونگذار در ماده (۲۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان گستره وسیعی از جرائم را مشمول مجازات تعزیری درجه شش قانون مجازات به غیر از حبس دانسته است. برخی از این جرائم هم از نظر عنصر مادی و هم از نظر عنصر معنوی قابل مقایسه با جرائمی است که در قوانین دیگر، مجازات خیلی شدیدی برای آنها در نظر گرفته شده است، عنصر مادی این جرم عبارت است از:

- الف. اقدام به تولید و عرضه تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و پایانه‌های فروشگاهی معیوب.
- ب. اقدام به استفاده از تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و پایانه‌های فروشگاهی معیوب
- ج. تولید و عرضه تجهیزات معیوب کننده تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و پایانه‌های فروشگاهی
- د. استفاده از تجهیزات معیوب کننده تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و پایانه‌های فروشگاهی.
- ه. تخریب پایانه‌های فروشگاهی خود
- و. تخریب پایانه‌های فروشگاهی دیگران

از موارد ششگانه فوق، مورد (ب) و (ه) می‌تواند مصداق بارز جرم مالیاتی باشد، که قانونگذار مالیاتی نیز برای آنها مجازات درجه شش قانون مجازات را در نظر گرفته است با این تفاوت که در ماده (۲۳) امکان حبس برای آنها در نظر گرفته نشده است.

موارد (الف) و (ج) تحت شرایطی منجر به اخلال در نظام اقتصادی شود. مورد (و) قابل مقایسه با ماده (۹۱۳) قانون مجازات اسلامی است که این قانون برای اشخاص مذکور اگر قصد اخلال در نظام اقتصادی را نداشته باشند، حبس سه تا ده سال در نظر گرفته است.

از بعد عنصر معنوی نیز این قانون فرضی را پیش بینی نموده ولی حتی مجازات حبس نیز برای آن قائل نشده و آن فرضی است که شخص قصد اخلال در نظم جامعه را داشته باشد.

بسیاری از رفتارهایی که تحت ماده (۲۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی جرم‌انگاری شده است، در قانون تجارت الکترونیکی نیز تحت رفتارهای مشابه جرم‌انگاری شده است.

پیشنهاد

به نظر می‌رسد که با وجود قانون جرائم رایانه‌ای و قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی، ضرورتی به وضع ماده (۲۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان نباشد؛ برای اینکه اولاً؛ رفتارهای مجرمانه‌ای که در ماده مذکور بیان شده است، به طور مفصل در این دو قانون به ویژه قانون جرائم رایانه‌ای جرم‌انگاری شده و به تناسب رفتار مجرمانه، برای آن مجازات در نظر گرفته شده است. ثانیاً؛

اصل قانونی بودن جرم و مجازات ایجاب می‌کند که ارکان جرم متناسب با مجازات به طور دقیق بیان شده باشد. در این ماده موجز، این رویکرد اتخاذ نشده است. لذا پیشنهاد می‌شود که ماده مذکور حذف شده، و مجازات قانون جرائم رایانه‌ای شامل رفتارهای مجرمانه ماده (۲۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان نیز گردد.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- آزموده، بهمن (۱۳۹۳)، الزام به انعقاد قرارداد به استناد نظم عمومی، تهران: اندیشه عصر اسلامی، اکرم (۱۳۹۹)، بررسی قاچاق کالا و ارز به عنوان جرم اخلال در نظام اقتصادی، تهران: انتشارات قانون بار الهی منش، محمدرضا؛ مرادی اوجقاز، محسن (۱۴۰۰) حقوق کیفری اختصاصی (۲)، تهران: مجد.
- پوربافانی، حسن (۱۴۰۲)، حقوق جزای اختصاصی: جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: جنگل.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۹) وسیط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش
- جلیلیان، بیتا (۱۳۹۶)، بررسی فقهی حقوقی تخریب اموال عمومی، مشهد: نشر مداد مشکی
- جاوید نیا، جواد (۱۳۹۲)، جرائم تجارت الکترونیکی، تهران: خرسندی
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، لغتنامه، تهران: دانشگاه تهران
- سالاری، مهدی (۱۳۹۸)، حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: مجد.
- شامبیانی، هوشنگ (۱۳۸۰)، جرائم علیه اشخاص، تهران: انتشارات ژوبین
- صفایی، حسین (۱۳۹۵)، قواعد عمومی قراردادها، تهران: میزان
- عباسی، محمدرضا (۱۳۹۰)، حقوق مالیات‌ها از منظر حقوق خصوصی، تهران: نگاه بینه
- عمید حسن (۱۳۷۷)، فرهنگ عمید، چاپ دهم، تهران: انتشارات عمید
- فرید علی آباد؛ محمد امین (۱۳۹۴)، تخریب اموال عمومی از دیدگاه کیفری در نظام حقوقی ایران و انگلستان، تهران: خرسندی
- فتاحی، مختار (۱۳۹۳)، "بررسی عناصر تشکیل دهنده مادی و معنوی مصادیق جرائم رایانه‌ای"، فصلنامه قانون یار، شماره ششم، ص ۱۰۶
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵)، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار
- کبیری، سهیل (۱۳۹۹)، اخلال در نظام اقتصادی کشور، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد
- گرگیچ، غزاله (۱۴۰۲)، بررسی حقوق مودیان مالیاتی در قوانین مالیاتی، قم: اثر قلم
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۳)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی ۱-۲-۳، تهران: میزان
- مرکز آموزش، پژوهش و برنامه ریزی مالیاتی، معاونت آموزشی (۱۴۰۰)، محتوای آموزشی و آزمون جامع مالیاتی سال ۱۴۰۰ (تعیین سطح)، معاونت آموزشی سازمان امور مالیاتی
- مظاهری تهرانی، مسعود؛ مصطفی زاده، فهیم (۱۳۸۵) حقوق جزای عمومی (۱)، تهران: نشر میزان
- معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی معین؛ تهران: انتشارات فرهنگ نما
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۳)، جرائم علیه اموال و مالکیت، تهران: میزان
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۷)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان
- مرادی، امیر (۱۴۰۲)، جستارهایی در اخلاق عدالت کیفری و جرم شناسی، تهران: مجد.
- واعظی نژاد، محمد مهدی (۱۳۹۵)، مدیریت امنیت اطلاعات براساس استانداردهای ملی ایران، تهران: وینا

احمدی موسوی، سید مهدی؛ صالح ولیدی، محمد؛ نجفی توانا، علی (۱۳۹۵)، "آسیب شناسی نظام مالیاتی ایران و تبیین عوامل مؤثر در بروز آسیب‌ها"، نشریه حقوقی دادگستری، سال هشتم، شماره ۹۶

باغبان زاده، عباس (۱۳۹۸)، "بررسی جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور از منظر علوم جرم یابی"، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه؛ تابستان، دوره پنجم، شماره ۲

حسینی، سید ابوالحسن (۱۳۹۷)، "فرارگاه جنگ اقتصادی"، تاملات رشد، پاییز و زمستان، شماره ۲

خسرو شاهی، قدرت الله؛ سبحانی، حسین؛ امیر حسینی، امین (۱۳۹۸)، "امکان سنجی صدور حکم اخلال در نظام اقتصادی کشور بر قاچاقچی"، نشریه اقتصاد پنهان، تابستان

رستمی، ولی (۱۳۸۷)، "اقتدارات و اختیارات دستگاه مالیاتی در حقوق مالیاتی ایران"، ماهنامه کانون، شماره ۸۹

علاء، عین الله (۱۳۷۲)، "مالیات بر درآمد و نقش آن در اقتصاد کشور"، پژوهشنامه مالیات پاییز و زمستان ۱۳۷۲، شماره ۳

کمیحانی، علی اکبر (۱۳۷۳)، "مروری بر الگوی پژوهش یافته سیاست‌ها پولی مناسب بر اقتصاد ایران"، نشریه مجلس و پژوهش، سال دوم، خرداد

الهام، غلامحسین (۱۳۸۵)، "جرم اقتصادی چیست، اخلال گر چیست"، روزنامه کیهان، ۱۳۸۵/۲/۵

ب. منابع انگلیسی

A.T.H. Smith(1994), Property Offences, London: Sweet and Maxwell
Mewett, Manning(1985) Criminal Law, Toronto: Butterworths
Smith, Hogan(1994), Criminal Law, London: Sweet and Maxwell